

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

National and Revolutionar Characters

شخصیت های ملی و انقلابی

اشرف دهقانی

۰۹ جون ۲۰۲۵

## سخنرانی در مراسم وداع با رفیق مادر، در پرلاشز

با سلام به شما دوستان و رفقای عزیز و خوش آمد گویی از این که اینجا آمده اید و حضور پیدا کردید. الان اینجا کنار دیواری هستیم که واقعاً سمبل استقامت و مقاومت کارگرانی هست که علیه ستم و استثمار سرمایه داری و حکومت های سرمایه داری بلند شدند جنگیدند و به واقع ما یاد انقلابیون کمون پاریس را هم اینجا زنده می داریم که خونشان کنار این دیوار به زمین ریخته شده.

ما در کنار این دیوار یاد مادر، فاطمه سعیدی - شایگان را گرامی می داریم با توجه به این که واقعاً آن آرمانهایی که مادر به آن اعتقاد داشت و پایبند بود همان آرمانهایی هستند و بودند که کمون پاریس و انقلابیون کمون پاریس به آنها باور داشتند و برایش جنگیدند.

در رابطه با کمون پاریس، خُب حالا من خیلی کوتاه راجع به آن می گویم؛ موقعی شروع شد که واقعاً استثمار وحشیانه کارگران و بیکاری گسترده و حتی فشار به طبقات متوسط جامعه دیگر به حد بالای خودش رسیده بود و به همین خاطر کارگران تشخیص دادند که نظم سرمایه داری، یک نظم ظالمانه هست و باید به جای این نظم ظالمانه، یک نظم اجتماعی نوین بر پا بشود؛ به همین خاطر، کارگران انقلابی، کمونارد ها آمدند در ۱۸ مارچ ۱۸۷۱ گارد ملی را به طرف خودشان جلب کردند و توانستند یک انقلاب بر پا بکنند و حکومتی در فرانسه به وجود بیاورند که واقعاً در تاریخ بی سابقه بود؛ هم به لحاظ عملکردهایش و هم به لحاظ آن محتوایی که کلا داشت. البته اینجا فرصت نیست که من به این عملکردها بپردازم؛ ولی فقط این را باید بگویم که رفیق مادر هم چه به لحاظ طبقاتی و چه از جنبه واقعاً پایبندی به آن آرمانهای کمونیستی به واقع به صف کارگرانی تعلق داشت که همین کمون پاریس را به وجود آوردند.

خوب، خیلی از شما در مورد رفیق مادر می دانید در مورد مبارزاتش می دانید، در مورد آن پایداری هایش در مقابل شکنجه گران ساواک رژیم شاه، همه اینها را مطمئناً با خیر هستید و مادر نه فقط شکنجه های جسمی بلکه واقعاً در زندان سختی هانی را متحمل شد که هر کدام از آن سختی ها واقعاً یک تراژیدی بود و حالا سوال این است که چطور یک همچین چیزی امکان پذیر شد که مادر این همه درد را تحمل کرد این همه سختی ها را. این را باید بگویم که مادر واقعاً درد و رنج کارگران و زحمتکشان را با پوست و گوشت خودش واقعاً لمس می کرد. چون خودش واقعاً از این طبقه بود و از طرف دیگر مادر پایبند آرمانهای کمونیستی بود و خواستش این بود که این نظام ظالمانه سرمایه داری از بین برود و به جای آن یک نظم واقعاً کارگری به وجود بیاید. به واقع این کمون پاریس سرمشق مبارزات

مادر بود و مادر هم بدون هیچ چشم داشتی همه این سختی ها و شکنجه ها را برای رسیدن به آن هدفی که همانا هدف انقلابی و کارگری بود، این ها را تحمل می کرد.

خوب رفیق مادر اولین آموزش های سیاسی اش را به قول خودش در نزد پسر و رفیقش نادر شایگان، زنده یاد نادر شایگان، گذرانده بود و همین طور در کنار دوستان وی. یعنی مادر خودش هم همیشه می گفت چقدر خود نادر و دوستان نادر و از جمله زنده یاد جهانبخش پایداری را خیلی دوست داشت و همیشه می گفت که خوب من می دیدم که اینها با جوانهای دیگر خیلی فرق می کنند. جوان هائی هستند که اصلاً هیچ سودائی جز رهائی انسانهای زحمتکش و کارگر مثل خود مادر را در سر ندارند؛ به همین خاطر همه اینها را خیلی دوست داشت و در رابطه با آنها در بحث های شان شرکت داشت، کتاب می خواند و از طریق آنها آگاهی پیدا کرد؛ ولی خوب وقتی نادر در یک درگیری مسلحانه در زمان شاه با نیرو های مسلح شاه شهید شد، مادر زانوی غم به بغل نگرفت بلکه آمد و شروع کرد به تداوم مبارزات خودش و پیوست به چریکهای فدائی خلق؛ با سه بچه ای که خردسال بودند؛ با آن ها پیوست به خود سازمان. و بعد حالا در زمان دهه ۵۰ که این اتفاق افتاد مادر وقتی که به چریکهای فدائی خلق پیوست تقریباً می شود گفت کمتر از سه سال بود که جنبش مسلحانه در ایران شروع شده بود و مادر وقتی که آمد و پیوست فقط جوان های انقلابی بودند که در این جنبش شرکت داشتند.

مادر به واقع اولین مادر در میان مادران و افراد زحمتکش جامعه بود که آمد به جنبش مسلحانه پیوست و وقتی که این کار را کرد در حقیقت این به معنای این بود که آغاز و اولین پیوند بین توده و پیشاهنگ بود، پیشاهنگ انقلابی که داخل صحنه بود. خود مادر از مبارزات واقعاً شجاعانه و خیلی با صداقت و با از خود گذشتگی چریکها، انقلابیون مسلح، خیلی تأثیر گرفته بود به خصوص از مبارزات زنان چریک که خودش نمونه هائی را همیشه تعریف می کرد که چه چیز هائی و چقدر رویش تأثیر گذاشته. پس از این که مادر به چریکهای فدائی خلق می پیوندد این باعث می شود که خیلی از -چون خبرش را در نشریه سازمان که آن موقع بود پخش کرده بودند - افراد دیگری هم بیایند و تشویق بشوند و هر چه بیشتر مادران دیگری هم در این جنبش شرکت بکنند. به هر حال من اگر خلاصه بکنم این است که مادر واقعاً بخوبی می دانست که این حکومت سرمایه داران همانطور که امروز ما در ایران شاهدش هستیم واقعاً هیچ معنای دیگری جز تحمیل فقر و بدبختی و رنج و عذاب حالا نه فقط برای کارگران بلکه واقعاً بر اکثریت آحاد جامعه ندارد به همین خاطر هم مادر می گفت کمون زنده است و مسأله اش این بود که واقعا در ایران هم یک حکومت کارگری به وجود بیاید.

من این را هم در آخر بگویم که تجربه نشان می دهد وقتی که یک پدیده ای می خواهد به اصطلاح به حد تکامل خودش برسد و کاملاً تثبیت شود در طول زمان علانمی از خودش نشان می دهد. کمون پاریس به واقع اولین تلاش کارگران برای این که حکومت خودشان را در آنجا بر پا بکنند بود و ما بعداً دیدیم که این کمون واقعاً یک جرعه بود که گُر گرفتنش را در سال ۱۹۱۷ در انقلاب روسیه دیدیم. در نتیجه ما می توانیم امیدوار باشیم که کارگران و زحمتکشان جهان در آینده خواهند توانست علیه این سیستم مبارزه بکنند و این سیستم را نابود کنند و حکومتهای کارگری خودشان را به وجود بیاورند؛ به هر حال این امید و آرزویی بود که مادر به آن باور داشت و ما امروز در کنار این دیوار کموناردهای پاریس بر حقانیت این امید و آرزوی مادر پای می فشاریم و یاد مادر، رفیق مادر، فاطمه سعیدی شایگان گرامی باد! باز هم ممنون از شما که اینجا بودید.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران شماره ۳۰۸، ویژه وداع با رفیق مادر، اردیبهشت - ثور-

۱۴۰۴